
Studying Women's Strategies in Facing Early Marriage and its Consequences on Them (Case Study: under 15-year-Old Women in Titkanlo)

Neda Rahimi

Master's Student in Social Sciences Research, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

Hossein Ghodrati

Associate Professor of Sociology, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran (Corresponding Author).

E-mail: h.ghodrati@hsu.ac.ir

Shafieh Ghodrati

Assistant Professor of Demography, Hakim Sabzevari University, Sabzevar, Iran.

Today, despite the high public awareness and knowledge in various fields, the rate of early marriages in the world and specifically in Iran is still worrying since this type of marriage has negative consequences and harms for the couples, especially women. Northern Khorasan province suffers from the highest rate of early marriages. Therefore, the aim of the current research is to sociologically study the women's strategies in facing early marriage and its consequences on them. The statistical population includes under 15-year-old women in Titkanlu city in Northern Khorasan province. The research method is qualitative and thematic analysis approach is used as the operational method of the research. The participants of the current research are 24 under 15-year-old women in Titkanlo city who were chosen through the purposeful and theoretical sampling method. In-depth semi-structured interviews have been used to collect the data. Findings of the research show that, women's strategies in dealing with an early marriage include: compromising with the existing conditions, failure and rebellion. Also, early marriage has many consequences, including domestic violence, erosion of social capital, weakening the family capabilities, health problems and issues regarding the pregnancy.

Conflict of interest:

ACCORDING TO THE AUTHORS, THE ARTICLE DID NOT HAVE ANY CONFLICT OF INTEREST.

Key words: *Marriage, Early Marriage, Child Marriage, Women of Titkanlo City.*

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال شانزدهم، شماره شصت و چهارم، پاییز ۱۴۰۳

ص ص ۱۴۰-۱۱۵

«مقاله پژوهشی»

مطالعه راهبردهای زنان در مواجهه با ازدواج زود هنگام و پیامدهای این ازدواج بر
آن‌ها (مورد مطالعه: زنان زیر ۱۵ سال شهر تیتکانلو)

ندا رحیمی^۱

حسین قدرتی^۲

شعبه قدرتی^۳

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۴۰۳/۲/۲۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۲

چکیده

امروزه علی‌رغم افزایش آگاهی و دانش عمومی مردم در حوزه‌های مختلف، باز هم میزان ازدواج‌های زود هنگام در دنیا و ایران نگران کننده می‌باشد و این نوع ازدواج‌ها پیامدها و آسیب‌های متعددی برای افراد درگیر در آن بالاخص زنان دارند. خراسان شمالی یکی از استان‌هایی است که دارای بالاترین میزان ازدواج‌های زود هنگام می‌باشد. بنابراین، هدف پژوهش حاضر، مطالعه جامعه‌شناختی راهبردهای زنان در مواجهه با ازدواج زود هنگام و پیامدهای این نوع ازدواج‌ها در بین زنان زیر ۱۵ سال شهر تیتکانلو در استان خراسان شمالی است. روش پژوهش، کیفی بوده و از رویکرد تحلیل مضمون به عنوان روش عملیاتی پژوهش استفاده شده است. مشارکت کنندگان پژوهش حاضر، ۲۴ نفر از دختران ازدواج کرده کمتر از ۱۵ سال شهر تیتکانلو هستند که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدف‌مند و نظری مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختار یافته استفاده شده است. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که راهبردهای زنان در مواجهه با کودک همسری عبارتند از: سازش با شرایط موجود، ناکامی و شورش. همچنین ازدواج زود هنگام پیامدهای متعددی هم‌چون خشونت خانگی، فرسایش سرمایه اجتماعی، تضعیف توان‌مندی‌های خانوادگی، مشکلات فیزیکی و مسائل دوران بارداری برای زنان دارد.

واژگان کلیدی: ازدواج، ازدواج زود هنگام، کودک همسری، زنان شهر تیتکانلو.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

۲. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران (نویسنده مسئول).
E-mail: h.ghodrati@hsu.ac.ir

۳. استادیار جمعیت‌شناسی دانشگاه حکیم سبزواری، سبزوار، ایران.

مقدمه

ازدواج از مهم‌ترین نهادهای جامعه است که از یک سو تنظیم‌کننده روابط جنسی و تضمین‌کننده سلامت جامعه از انحراف و فساد بوده و از سوی دیگر، آغازگر زندگی خانوادگی در جهت ایجاد محیطی آرام و مناسب برای فرهنگ‌پذیری و اجتماعی‌شدن کودکان و در نتیجه، تضمین‌کننده آینده جامعه می‌باشد. به عبارتی، یکی از شاخص‌ترین مؤلفه‌های زندگی مشترک، ارتباط جنسی سالم و رضایت‌بخش زوجین است که در قالب ازدواج مشروع شکل می‌گیرد و بی‌گمان برخورداری از آمادگی لازم جسمی، روانی و اجتماعی رکن اساسی آن است، لیکن در این میان برای تعداد زیادی از دختران و برخی از پسران این ارتباط و پیوند مهم، قبل از سن قانونی و رشد لازم رخ می‌دهد که آثار منفی و پیامدهای ناگواری، به ویژه برای دختران به دنبال دارد و موجب آزار، اعمال خشونت و آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر آنان خواهد بود. در واقع، ازدواج یک عمل اجتماعی است که از طریق یک عمل عمومی، مراسم مذهبی و سنتی انجام می‌شود و منعکس‌کننده اهداف، شخصیت و آداب و رسوم جامعه‌ای است که در آن انجام شده است. بسیاری از جوامع، حداقل سنی را برای ازدواج دختران جوان تعیین می‌کنند، اما در برخی موارد به منظور آمادگی‌های فیزیولوژیکی افراد برای بچه‌دار شدن محدودیت سنی در نظر گرفته شده است. باید در نظر داشت که همیشه نسبتی از کل ازدواج‌ها در سنین بسیار زودتر از حداقل سن قانونی اتفاق می‌افتد (۱۰).

ازدواج زودرس به صورت ازدواج‌های زیر ۱۸ سال تعریف می‌شود که هر دو جنس را متأثر می‌سازد اما بیشتر دختران در معرض آن قرار می‌گیرند. با وجود این که ازدواج زودرس در دهه‌های اخیر کاهش یافته است اما هنوز در بسیاری از کشورها به خصوص در مناطق روستایی، امری معمول و عادی است. با وجود این که بیشتر کشورها حداقل سن قانونی برای ازدواج را ۱۸ سال اعلام کردند، پیش‌بینی می‌شود بیش از ۱۰۰ میلیون دختر در دنیا در دهه آینده ازدواج زودرس داشته باشند (۱۳). مطالعات نشان می‌دهد که در جهان امروز حدود ۸۲ میلیون دختر که در حال حاضر بین ۱۰ تا ۱۷ سال سن دارند، قبل از ۱۸ سالگی ازدواج می‌کنند؛ این رقم دخترانی را که در سنین پایین‌تر ازدواج می‌کنند نیز در بر می‌گیرد؛ به عنوان نمونه در «نیپال» ۷ درصد از دختران، قبل از رسیدن به سن ۱۰ سال و ۴۰ درصد تا رسیدن به سن ۱۵ سال ازدواج می‌کنند. در منطقه «امهرای اتیوپی» در مناطق روستایی، ۴۰ درصد دختران قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال ازدواج می‌کنند و حتی در برخی از موارد برای خودداری از پرداخت وجه لازم قبل از ازدواج، ربوده می‌شوند و مورد تجاوز قرار می‌گیرند (۳۱). تخمین زده شده است بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۳۰، ۱۳۰ میلیون دختر ازدواج زود هنگام خواهند داشت که از این تعداد ۱۴ میلیون دختر هر سال ازدواج می‌کنند و بسیاری از این‌ها زیر ۱۵ سال سن دارند. همچنین بیش از ۷۰۰ میلیون زنی که امروزه در قید حیات هستند، کودکان متأهلی‌اند که متأسفانه نیمی از این تعداد در جنوب آسیا به سر می‌برند (۲۰).

استان خراسان شمالی یکی از استان‌هایی است که بیشترین آمار ازدواج‌های زود هنگام را دارد. بر اساس آمار ثبت احوال خراسان شمالی؛ در سال ۱۳۹۱، ۱۲۲۵ واقعه ازدواج در گروه سنی کمتر از ۱۵ سال در استان خراسان شمالی به ثبت رسیده است. بر اساس داده‌های سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، بیش از دو هزار واقعه ازدواج زودرس در استان اتفاق افتاده است که این تعداد در مقایسه با سال‌های ۹۳ و ۹۴ افزایش داشته است. هم‌چنین بر اساس اعلام اداره کل ثبت احوال خراسان شمالی در ۹ ماهه نخست سال ۱۴۰۰، ازدواج ۹۰۰ دختر ۱۱ تا ۱۵ سال در این استان به ثبت رسیده و این استان جزو پنج استان نخست کشور در آمار ازدواج زود هنگام دختران است. این میزان نشان می‌دهد که هنوز هم کودک همسری یا ازدواج‌های زودرس مسئله‌ای نگران‌کننده برای استان می‌باشد. لذا، با عنایت به این که در استان خراسان شمالی و به ویژه شهر تیتکانلو، میزان کودک همسری قابل‌تامل بوده و افزایش این پدیده می‌تواند کیفیت زندگی سالم و امنیت نهاد خانواده در سطوح مختلف تحت‌الشعاع قرار داد؛ بنابراین، انجام مطالعات علمی به منظور شناسایی پیامدهای ازدواج زودرس در جامعه هدف ضرورت دارد و از آن جا که ازدواج زودرس با توجه به زمینه فرهنگی و اجتماعی، محیط و سطح توسعه یافتگی مناطق متفاوت می‌باشد، بنابراین، برای فهم راهبردهای زنان در مواجهه با این نوع ازدواج‌ها و پیامدهای مرتبط با این مسئله بایستی به تجربه‌های زیسته افراد روی آورد. لذا ضرورت اهمیت این پژوهش در میان زنان متأهل شهر تیتکانلو به خوبی نمایان می‌شود. تحقیق حاضر به منظور مطالعه راهبردهای زنان در مواجهه با ازدواج‌های زود هنگام و پیامدهای این نوع ازدواج‌ها به تجربه زیسته زنانی می‌پردازد که در کودکی ازدواج کرده‌اند.

پیشینه تحقیق

یافته‌های پژوهش سلحشور (۱۳۹۹)، در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی موثر بر ازدواج زود هنگام (کودک همسری) زنان در شهرستان تالش»، بیانگر آن است که بین عوامل اجتماعی از جمله تحصیلات، طبقه اجتماعی، میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و خردگرایی با ازدواج زود هنگام رابطه منفی وجود دارد. هم‌چنین بین متغیرهای سنتی بودن خانواده، بی‌اعتمادی به خانواده پدری و نابرابری‌های جنسیتی با ازدواج زود هنگام رابطه مثبت وجود دارد. فقط متغیر آسان‌گیری انتخاب همسر از سوی خانواده با ازدواج زود هنگام، رابطه معناداری نداشته است (۲۴).

علی‌پور آبدار (۱۳۹۹)، در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی علل زمینه‌ساز کودک همسری در شهر تبریز (مطالعه موردی زنان دارای تجربه زیسته مراجعه‌کننده به مراکز بهداشت)»، بیانگر آن است که بلوغ جنسی زودرس، مردسالاری، اعتقادات مذهبی، موقعیت محل زندگی و زندگی با پدر و مادر ناتنی مهم‌ترین علل زمینه‌ساز کودک همسری در بین موارد بررسی شده در شهر تبریز است (۳).

یافته‌های عسکری ندوشن و همکاران (۱۳۹۸)، در مطالعه‌ای با عنوان «مطالعه بسترهای مردسالارانه رویداد ازدواج زود هنگام در میان زنان مهاجر افغان مقیم شهر یزد»، بیانگر آن است که ازدواج زود هنگام در بستری مردسالارانه رخ می‌دهد که برتری قدرت مردان را به صورتی مشروع و پذیرفته شده باز می‌تاباند و با خشونت‌های سراسر بین، ارزش‌زدایی از زنان و در مقابل، تعریف ارزش افزوده برای پسران، بر ساخته می‌شود (۴).

جوادیان و همکاران (۱۳۹۸)، در مطالعه‌ای با عنوان «زمینه‌ها و پیامدهای ازدواج زود هنگام دختران ۱۳ تا ۱۶ ساله (شهرستان اردکان، یزد)»، در خصوص زمینه‌های ازدواج زود هنگام سه مقوله اصلی به دست آوردند. مقوله اول، عوامل مربوط به فرد است که پاسخگویی به نیازها، ضعف مهارت‌های زندگی، فرار از شرایط سخت خانواده و تسهیلگرهای ازدواج را شامل می‌شود. مقوله دوم، عوامل والدینی است که اقتدار والدین، نگرانی‌های والدین، اعتقادات فرهنگی - مذهبی والدین و مشکلات خانوادگی را در بر می‌گیرد. مقوله سوم نیز عامل اعتقادات و باورهای سنتی است (۱۱).

رحیمی نامدار (۱۳۹۸)، در پژوهشی به «بررسی جامعه‌شناختی گرایش به کودک همسری و عوامل مرتبط با آن در بین دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم ناحیه سه تبریز» پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که متغیرهای احساس محرومیت نسبی، امید به آینده، سنت‌گرایی، دین‌داری و تبعیض جنسیتی با گرایش به کودک همسری رابطه معناداری دارند اما متغیرهای سرمایه اقتصادی، رسانه‌های جمعی، فیتیشسیم مالی و بعد خانوار رابطه معناداری با متغیر کودک همسری ندارند (۲۱).

افتخارزاده (۱۳۹۵)، در مطالعه‌ای با عنوان «تجربه زیسته زنان در ازدواج زود هنگام» به بررسی تجربه زیسته دوازده مورد از زنان شهر تهران پرداخته که کودک همسری را در سنین پایین تجربه کرده بودند. یافته‌ها نشان می‌دهند که فقر و عوامل اقتصادی، فرهنگ خانوادگی، محلی و قومی و ترس از بی‌آبرویی مهم‌ترین علل رخداد ازدواج زود هنگام در میان نمونه مورد بررسی در این تحقیق بوده است (۸).

یافته‌های سادات صفوی و مینایی (۱۳۹۴)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «تجربه زیسته دختران نوجوان در نقش همسر» بیانگر آن است از آن جایی که این زنان در فرایند انتخاب همسرشان دخیل نبوده‌اند و به رشد کافی عقلی نرسیده بودند، ازدواج‌شان در حقیقت توافقی میان والدین دختر و پسر بوده است؛ بنابراین این دختران حتی تصور و شناخت درستی از ازدواج و مسئولیت‌های مربوط به آن نداشته‌اند و از نظر روابط اجتماعی و فرهنگی در جامعه و همچنین روابط شخصی، نظیر برقراری ارتباط مناسب با همسر، فرزندان و اطرافیان‌شان دچار مشکلات فراوانی شده‌اند (۳۳).

یافته‌های پژوهش شیدایی و خدابخش (۱۳۸۷)، نشان دهنده این است که نزدیک به نیمی از جمعیت ازدواج کرده سال ۱۳۷۷ ازدواج زودرس دارند. پیش‌رسی ازدواج برای مردان حدود ۴ درصد بیشتر از زنان است. فقر و ثروت در کاهش یا افزایش سن ازدواج موثر است؛ به طوری که در خانواده‌های فقیر سن ازدواج معمولاً پایین‌تر از خانواده‌های مرفه می‌باشد (۲۶).

مورتادا^۱ و همکاران (۲۰۱۷)، به مطالعه جامعه‌شناختی کودک همسری در میان جمعیت آسیب دیده از جنگ در کشور لبنان پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهد که اگر چه کودک همسری یک شیوه رایج سوریه قبل از جنگ بود، اما به نظر می‌رسد که عوامل جدیدی به وقوع کودک همسری در بین پناهندگان سوری در لبنان کمک می‌کنند. پاسخ دهندگان به رابطه بین جنگ و جایجایی، احساس ناامنی، بدتر شدن شرایط اقتصادی و اختلال آموزش نوجوانان و زنان اشاره کردند (۱۵).

بودین^۲ (۲۰۱۵)، در پژوهشی به این نتیجه رسید که ازدواج‌های زودرس در بنگلادش به صورت معنی‌داری با ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی خانواده همبسته می‌باشد. در این مطالعه استدلال می‌شود که قومیت، الگوهای خانوادگی، الگوهای سکونت، بی‌سوادی و پایگاه شغلی انتسابی از عوامل خطر ازدواج‌های زودرس در بین زوج‌های روستایی بنگلادش هستند (۲۷).

سیگل - اینگلچین^۳ و همکاران (۲۰۱۵)، در پژوهشی به مطالعه ازدواج زود هنگام از نگاه زنان متأهل و نامزد مسلمان در کشور اسرائیل پرداختند. یافته‌های به دست آمده از زنان نامزد کرده نشان می‌دهد که ازدواج زود هنگام برای آن‌ها راهی برای برآورده ساختن نیاز خود در رسیدن به آزادی، داشتن عشق در یک چارچوب قابل احترام فرهنگی و فرار از فقر و از خانواده سخت‌گیر بوده است. بر عکس، روایت زنان متأهل نمایانگر هزینه سنگین و مزایای محدود ازدواج زود هنگام، ایجاد مشکلات شدید و عدم حل مشکلات پیشین می‌باشد (۲۵).

بر اساس یافته‌های ونگ و بوگنسچتر^۴ (۲۰۱۴)، ازدواج در سنین پایین در همونگ نرخ بالایی دارد. هم‌چنین، بین ازدواج زود هنگام و سطح درآمد کم و تحصیلات پایین ارتباط وجود دارد. زنان جوان متأهل در مقایسه با زنانی که می‌خواهند در سنین بالاتر ازدواج کنند؛ دسترسی کمتری به امکانات آموزشی دارند (۲۹).

بورجو^۵ و همکاران (۲۰۱۵)، در پژوهشی با عنوان «سرنوشت گل‌ها: ازدواج زودرس زنان ترکیه»، به مطالعه ازدواج‌های زود هنگام در منطقه آناتولی ترکیه پرداخته است. یافته‌های وی بیانگر آن است که عواملی مثل فقر، پایین بودن سطح سواد والدین، زیاد بودن تعداد فرزندان خانه پدری، تمایل به بچه‌دار شدن زن در فرهنگ منطقه مورد بررسی، عوامل زمینه‌ساز ازدواج زود هنگام دختران است (۵).

یوکسل کاپتاو اوغلو^۶ و همکاران (۲۰۱۴)، به بررسی فرایند ازدواج زود هنگام در کشور ترکیه پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهد که نسبت کل زنان ۲۰ تا ۲۴ ساله که قبل از سن ۱۸ سالگی ازدواج کرده اند، از ۳۸ درصد در سال ۱۹۷۸ به ۱۴ درصد در سال ۲۰۰۸ کاهش یافته است. افزایش سطح تحصیلات زنان و

1. Mourtada
2. Uddin
3. Segal- Engelchin
4. Vang & Bogenschut
5. Burcu
6. Yüksel- Kaptanoğlu

دست‌یابی به برابری جنسیتی در تمامی حوزه‌های زندگی گامی ضروری برای مقابله با مشکل ازدواج زود هنگام و از میان برداشتن ازدواج کودکان می‌باشد (۳۰).

سابه و همکاران (۲۰۱۳)، در پژوهشی با عنوان «تعیین کننده‌های ازدواج زودرس و اجباری» به این نتیجه رسیدند که چهار عنصر اختلافات قانونی و اجتماعی در مفهوم‌سازی ازدواج زودرس و اجباری، تاثیر قانون‌گذاری، تحصیلات و عامل اقتصادی را از جمله عوامل تاثیرگذار بر ازدواج زودرس دانسته و قانون جدید خانواده و یا مجموعه قوانین مدون را به عنوان بیشترین عامل موثر در پیشرفت حقوق زنان در حوزه ازدواج می‌داند (۲۲).

یافته‌های پژوهش اوکر و استوکس^۲ (۲۰۰۸)، در مطالعه‌ای با عنوان «ازدواج زود هنگام در ایالات متحده»، بیانگر آن است که ۲۵ درصد از زنان و ۱۶ درصد از مردان قبل از سن ۲۳ سالگی ازدواج می‌کنند و ازدواج زود هنگام در بسیاری از مشخصه‌ها متفاوت است. افرادی که زودتر ازدواج می‌کنند به احتمال زیاد از خانواده‌های محروم، از خانواده‌های محافظه کار پروتستان یا مورمون^۳ هستند، برای ایمان مذهبی خود ارزش بیشتری قائل هستند، دارای مدرک تحصیلی دبیرستان یا پایین هستند (۲۸).

گیدای^۴ (۲۰۰۶)، دلایل اصلی ازدواج زود هنگام را حفظ آبرو (حفظ نام خوب و اعتبار اجتماعی)؛ تقویت رابطه بین خانواده‌هایی که در آن ازدواج صورت گرفته؛ تضمین بکارت دختران؛ ترس از این که اگر سن دختر بالا برود نتواند در سنین بالاتر ازدواج کند و خواستگار نداشته باشد، ترس از رابطه جنسی قبل از ازدواج و بارداری، عدم آگاهی از ممنوعیت قانونی ازدواج زودرس و ضعف در اجرای قانون مربوط به سن ازدواج دانسته است (۱۰).

در جمع‌بندی پیشینه پژوهش می‌توان گفت که با وجود آمار قابل توجه ازدواج زود هنگام و مطالعه دلایل آن به نظر می‌رسد که تا کنون پژوهش‌های اندکی در این حوزه در داخل کشور انجام گرفته است و پژوهش‌هایی هم که انجام شده است عمدتاً با رویکرد کمی به مطالعه نگرش و گرایش افراد به ازدواج زود هنگام و پیامدهای ازدواج زود هنگام از قبیل ترک تحصیل پرداخته‌اند. همچنین این مطالعات به ارائه برخی از آمارها در خصوص تعداد یا میزان کودک همسری بسنده نموده‌اند و از مطالعه راهبردهای زنان در مواجهه با ازدواج زود هنگام و پیامدهای این نوع ازدواج‌ها غفلت کرده‌اند. از این رو بررسی پیامدهای ازدواج زود هنگام به ویژه با تأکید بر تجربه زیسته زنان، ضروری به نظر می‌رسد.

1. Sabbe
2. Uecker & Stokes
3. Mormon
4. Giday

مبانی نظری

یکی از اصلی‌ترین شاخص‌هایی که در زمینه ازدواج مدنظر صاحب‌نظران است و کیفیت خانواده را ارتقا می‌دهد، سن مناسب برای ازدواج است؛ سنی که در آن، فرد توانایی پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره را داشته باشد. از دیدگاه جامعه‌شناختی، آرامش و امنیت در یک جامعه، نتیجه ازدواج سالم و به هنگام و محیط آرام‌بخش خانواده است. ازدواج سالم رابطه‌ای عاطفی است که طی آن فرد علاوه بر ارضای نیازهای جنسی به احساس ارزش، اعتماد، امنیت و دریافت محبت و احترام دست پیدا می‌کند. در این رابطه مرزها روشن است، احترام متقابل وجود داشته و انتخاب‌های فردی محترم شمرده می‌شود. قدرت در یک سیستم عادلانه تقسیم و رابطه‌ها تعریف شده و مشخص است (۱۸).

ازدواج در تمام طول تاریخ جزو حقوق قانونی افراد بوده در حالی که بسیاری از دختران و پسران از حق انتخاب در زمینه ازدواج محروم بودند و مجبور شدند که در سنین پایین ازدواج کنند. دخترانی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند، به علت این که به بلوغ کافی نرسیده‌اند، ازدواج آن‌ها همراه با رضایت کامل و آزادانه نبوده و حقوق انسانی آن‌ها رعایت نشده است (۱). در سطح بین‌المللی، ازدواج کودکان یکی از اشکال ازدواج اجباری به شمار می‌رود و نمونه‌ای از خشونت جنسیتی است. ازدواج اجباری، ازدواجی است که بدون رضایت آزادانه از طرف یکی از زوجین یا هر دوی آن‌ها صورت می‌گیرد و با فشار جسمی و عاطفی همراه است. ازدواج زود هنگام با ازدواج اجباری مرتبط است زیرا افراد زیر سن قانونی‌اند و قادر به دادن رضایت آگاهانه نیستند (۴).

موافقان و مخالفان ازدواج زود هنگام هر کدام ایده و دیدگاه‌های خاص خود را در این زمینه داشته‌اند و این امر باعث شده است که سن ازدواج امری متناقض‌نما جلوه کند. در تعیین سن ازدواج دختران و پسران، دو دیدگاه اصلی دینی و روان‌شناختی تناقضات بیشتری را از خود نشان می‌دهند. روان‌شناسان با طرح مباحثی هم چون فقدان مهارت‌های اجتماعی، تفاوت شرایط جغرافیایی و محیطی در رسیدن به بلوغ و دسترسی نداشتن افراد به آموزش کافی و مهارت‌های تحصیلی با ازدواج زود هنگام مخالف‌اند (۷). موافقان ازدواج زود هنگام هم با تأکید بر مسائلی نظیر لزوم کنترل و هدایت صحیح و به موقع غرایز جنسی، جلوگیری از اشاعه فحشاء در جامعه و استناد به آیات و روایات متعدد از ائمه و تبعیت از سیره معصومین (ع) بر ازدواج زود هنگام تأکید دارند. معمولاً در همه جوامع برای ازدواج، یک پایه سنی حداقلی وجود دارد که در قوانین مدون یا غیر مدون در نظر گرفته می‌شود و افراد تا قبل از رسیدن به آن، به برقراری پیوند زناشویی مجاز نیستند. این پایه سنی معمولاً همزمان با بلوغ جنسی یا اندکی پیش یا پس از آن تعیین می‌گردد. سن ازدواج در هر جامعه‌ای بر حسب شرایط محیطی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خاص آن جامعه تعیین می‌شود. سن ازدواج در جوامع مختلف متفاوت است، حتی در جامعه‌ای واحد نیز در طول زمان ثابت نمی‌ماند و برطبق شرایط یادشده، کم و زیاد می‌شود (۱۹).

در اصطلاح حقوق بشر، ازدواج کودک بدین معنی است که زوجین یا یکی از آن‌ها، کودک بوده و ازدواجی تحت قوانین مدنی، مذهبی و یا عرفی با ثبت یا بدون ثبت رسمی، صورت بگیرد (۱۴). مطابق با تعریف ماده «یک» کنوانسیون حقوق کودک به طفل زیر ۱۸ سال کودک اطلاق می‌شود. ازدواج قبل از سن ۱۸ سالگی، ازدواج زود هنگام نامیده می‌شود، زیرا دختر قبل از ۱۸ سال به لحاظ فیزیکی، فیزیولوژیکی و روانی آمادگی زیادی برای پذیرش مسئولیت زندگی و تأمین آن را ندارد. بنابراین، ازدواج زود هنگام ازدواجی است که قبل از فراهم شدن شرایط ازدواج از قبیل بلوغ، توانایی جسمانی و رشد لازم اتفاق می‌افتد و طرفین عقد نکاح یا یکی از آنان، به علت فقدان رشد کافی، آمادگی جسمی و یا روحی را برای این امر مهم ندارند.

ازدواج‌های زود هنگام در سنینی روی می‌دهد که افراد در آن به مرحله بلوغ فکری و عقلانی نرسیده‌اند، بنابراین زوجین در انتخاب شریک زندگی خود نمی‌توانند هیچ نقشی ایفا کنند به طوری که پس از گذشت مدتی و به علت ناتوانی در اداره زندگی تصمیم به طلاق و جدایی می‌گیرند. بیشتر پژوهشگران معتقدند که ازدواج‌های زود هنگام تأثیر بسزایی در افزایش آمار طلاق دارد. طلاق گرفتن این کودکان باعث تداوم و تشدید زنانه شدن فقر می‌شود، چرا که فقری که خود منجر به ازدواج می‌شود با طلاق کودک امتداد و حتی آن را تشدید می‌کند. ازدواج در دوران کودکی یا نوجوانی، تبعات منفی و آسیب‌های اجتماعی زیادی را در آینده بر آنان تحمیل خواهد کرد که نمی‌توان از آثار روانی، عاطفی، اجتماعی و زیستی که این نوع ازدواج‌ها بر هر دو جنس تحمیل می‌کند، غافل ماند. ازدواج کودکان بر مناسبات اجتماعی و فردی آن‌ها و در نهایت جامعه تأثیر می‌گذارد. الزامات ازدواج در سنین پایین اغلب منجر به جدایی از خانواده، دوستان و تعلقات، از دست دادن آزادی، تعامل با همسالان و استفاده از فرصت‌های آموزشی می‌شود. اکثریت این دختران پس از ازدواج ترک تحصیل می‌کنند (۸).

نظریه‌های اندکی درباره ازدواج‌های زود هنگام از سوی صاحب‌نظران مطرح گردیده که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به نظریه مدرنیزاسیون یا نوسازی، نظریه‌های نابرابری جنسیتی، نظریه نظام‌ها، و نظریه‌های اجتماعی خانواده اشاره نمود. ویلیام گود^۱ به عنوان یکی از نظریه‌پردازان حوزه نوسازی، برای تبیین تفاوت سن ازدواج افراد از مفهوم مدرنیزاسیون استفاده کرده است. بر این اساس کاهش یا افزایش سن ازدواج با درجات مدرنیزاسیون مقایسه شده است. مدرنیزاسیون در سطوح فردی و اجتماعی با تأثیرگذاری در زمان ازدواج انجام می‌شود. در میان مهم‌ترین عامل‌های مدرنیزاسیون، به گسترش فرصت‌های تحصیلی، تغییرات در نیروی کار و فعالیت‌های شغلی، اشتغال زنان و شهرنشینی می‌توان اشاره کرد. افرادی که در مناطق شهری زندگی می‌کنند به دلیل شیوه‌های زندگی متفاوت و نیز کنترل اجتماعی ضعیف‌تر، نسبت به مناطق روستایی، ازدواج‌شان با تأخیر انجام می‌شود (۱۷). در جریان مدرنیزاسیون، خانواده محوری به

فرد محوری تبدیل می‌شود. فرایند مدرنیزاسیون با ترجیح خانواده هسته‌ای، فرد محوری در مقابل خانواده محوری، بهبود موقعیت زنان، گسترش تحصیلات عمومی شهرنشینی و ازدواج‌های با انتخاب آزاد در سنین بالا را تشویق می‌کند و هم چنین این فرایند با تغییر نگرش‌ها و ایده‌های افراد جامعه همراه است. بنابراین با تغییر در نگرش‌های حاصل از مدرنیزاسیون، سن شروع به زناشویی افراد بالاتر رفته و افراد در سنین بالاتری همسر انتخاب می‌کنند. با توجه به این نظریه می‌توان گفت در مناطق کمتر توسعه یافته یا در حال توسعه به دلیل بودن عامل‌های مدرنیزاسیون با پدیده پیشروی ازدواج رو به رو هستند. در این مناطق فرصت‌های تحصیلی و فرصت‌های اشتغال و شهرنشینی به شدت محدود و اغلب ازدواج‌ها زودتر از سن قانونی یا شرعی انجام می‌شود (۲۱).

در نظریه مبادله انسان دائماً درصد بهره‌گیری از حداقل هزینه‌هاست. اصل جستجوی پاداش‌های اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی در نهاد انسان نهفته است. طبق این نظریه تصمیم‌گیری برای ازدواج نوعی تصمیم به سرمایه‌گذاری است که در آن هزینه‌ها و دستاوردهای شخص ازدواج‌کننده در طول زمان واقعیت پیدا می‌کند. مضیقه ازدواج که یکی از عوامل مؤثر در افزایش سن ازدواج مطرح شد، از این رهیافت قابل تبیین است. با توجه به ترکیبات مبادله (عرضه و تقاضا) هر گاه در بازار ازدواج، تقاضا برای دختران بیشتر از عرضه آن باشد سبب می‌شود دختران در سنین پایین‌تری ازدواج کنند و بر عکس هر گاه عرضه بیشتر از تقاضا باشد سبب بالا رفتن سن ازدواج دختران می‌شود و این بازار عرضه و تقاضای ازدواج است که سن ازدواج را تعیین می‌کند. ملاحظه می‌شود که در تئوری مبادله انسان‌ها همواره به ارزیابی هزینه‌ها و منافع حاصل از ازدواج می‌پردازند. در جوامع سنتی (روستایی) و کمتر توسعه یافته فرزندان به خصوص فرزند دختر برای والدین بیشتر نقش مصرف‌کننده و بار اضافی را دارد؛ بنابراین در شرایط سخت و تنگناهای اقتصادی برخی خانواده‌ها به فکر ازدواج دخترشان می‌افتند تا از هزینه‌ها و بار اقتصادی خانواده بکاهند. در چنین شرایطی پیشروی ازدواج یا ازدواج زود هنگام افزایش می‌یابد (۲).

تحلیل مبانی نظری فمینیست‌ها موید این است که کودک همسری محصول جامعه‌پذیری و فرهنگی است که زنان جامعه را بر اساس آن تربیت می‌کنند. لذا القای ایدئولوژی خانه‌نشینی، مطیع بودن، مهربانی، کمرویی و در واقع شخصیت تابع توسط جامعه و فرهنگ مردسالارانه عامل اصلی کودک همسری یا ازدواج زود هنگام دختران جامعه است. در واقع، بر اساس نظریه‌های فمینیستی عامل اصلی کودک همسری جامعه، فرهنگ و ایدئولوژی مردسالارانه جامعه است که زنان را به عنوان افرادی مطیع و شخصیت تابع تربیت می‌کنند و این زنان به جز خانه، فرزند و زیبایی به چیز دیگری علاقه ندارند و ازدواج زود هنگام حاصل همین جامعه‌پذیری، ایدئولوژی خانه‌نشینی و شخصیت تابع و مطیع دختران است که در برابر تصمیم دیگران به ویژه خانواده تسلیم و تن به کودک همسری یا ازدواج زود هنگام می‌دهند. بر اساس این نظریه‌ها هر چقدر نابرابری میان دو جنس بیشتر باشد و این نابرابری توأم با فقر

مالی، بی‌سوادی والدین، جمعیت زیاد اعضای خانواده، فقر فرهنگی و عقاید قالبی جنسیتی باشد، والدین ترجیح می‌دهند که فرزندان‌شان زود هنگام ازدواج نمایند (۲۴).

در تحلیل مسائل مربوط به خانواده بر اساس نظریه نظام‌ها باید ارتباطات و روابط متقابل اعضای خانواده با یکدیگر و ارتباط خانواده به عنوان یک نظام اجتماعی با سایر نظام‌های اجتماعی جامعه از جمله مدرسه، دین، سیاست، اقتصاد و غیره توجه کرد. نظریه سیستم‌ها جامعه را به عنوان اجزای به هم پیوسته می‌بیند. این نظریه لازم می‌داند که رابطه بی‌اجزا را همانند رابطه بین یک سیستم و یا سیستم‌های دیگر اجتماعی بررسی کند. در نظریه سیستمی، کودک به منزله یک تصمیم صرفاً شخصی یا خانوادگی تحلیل نمی‌شود بلکه محصول روابط سیستم‌های گوناگون در یک جامعه است که می‌تواند افزایش یا کاهش این پدیده را در پی داشته باشد. سیستم‌های خانواده، مدرسه، محله، فرهنگ، دین، سیاست، قوانین و ... از جمله سیستم‌هایی هستند که می‌توانند در این پدیده دخیل باشند و تحلیل صحیح روابط این سیستم‌ها و تأثیر آن بر بروز ازدواج زود هنگام می‌تواند به روشن‌تر شدن زوایای این پدیده یاری رساند (۸).

نظریه‌های اجتماعی خانواده استدلال می‌کنند که ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی خانواده و اعمال مرتبط بیشتر از عوامل عینی و بیرونی بر الگوهای ازدواج زودرس در جوامع سنتی تأثیر دارند. اندیشمندان خانواده بر این باورند که هر کودکی در یک محیط فرهنگی و اجتماعی متمایز به دنیا می‌آید. به واسطه فرایندهای اجتماعی شدن هر کودکی ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی خاص خانواده را به دست می‌آورد که تأثیرات زیادی بر سبک زندگی وی از تولد تا مرگ دارد. در واقع، کودک از زمان تولد خود یاد می‌گیرد که با چه کسی و چه زمانی ازدواج کند، کجا زندگی کند، چه مسئولیتی نسبت به خانواده و جامعه دارند. این ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی نسبتاً پایدار به نسل بعدی منتقل می‌شود (۲۱). موتنگی^۱ (۲۰۱۰)، استدلال می‌کند که خانواده‌ها در درجه اول در مورد زمان ازدواج و تحصیلات تصمیم‌گیری می‌کنند و این تصمیم‌گیری در درجه اول توسط پدر و مادر و بعد توسط پدر و مادر قانونی انجام می‌شود که به دلیل بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود در جامعه، جلوگیری از بچه‌دار شدن‌های قبل از ازدواج و حصول اطمینان از چشم‌انداز اقتصادی آینده دختران خود است. عامل مهم دیگری که در سن ازدواج موثر است؛ نظام خانواده می‌باشد. در جوامعی که «نظام خانواده گسترده» شایع است، سن ازدواج معمولاً پایین است. در این نظام که مسئولیت تربیت فرزندان بین همه اعضای خانواده مشترک است؛ بچه‌ها به آسانی مورد قبول قرار می‌گیرند و افراد کم سن و سال که بعد از ازدواج وارد خانواده می‌شوند؛ مورد حمایت و آموزش قرار می‌گیرند (۱۶). بر عکس، در جوامعی که خانواده هسته‌ای الگوی غالب است؛ مسئولیت بزرگ کردن فرزندان عمدتاً بر دوش والدین بوده و ازدواج آن قدر به تاخیر می‌افتد تا فرد بتواند

از عهده مسئولیت‌های خود برآید. بنابراین، می‌توان گفت که سن ازدواج از بسیاری از عوامل اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی تاثیر می‌پذیرد. هم چنین، بین سن ازدواج، سواد، تحصیلات، قومیت، محل سکونت در شهر و روستا و به طور کلی، پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد ارتباط وجود دارد (۱۲).

روش تحقیق

پژوهش حاضر با استفاده از رویکرد کیفی و بهره‌گیری از مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته انجام شده است. داده‌های گردآوری شده با بهره‌گیری از استراتژی تحلیل تماتیک یا مضمون مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. تحلیل تماتیک روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی مصاحبه‌ای است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. این نوع تحلیل در وهله اول به دنبال الگوییابی در داده‌هاست. زمانی که الگویی از داده‌ها به دست آمد، باید حمایت مفهومی یا موضوعی از آن صورت گیرد. به عبارتی مقوله‌ها از داده‌ها نشأت می‌گیرند.

در پژوهش حاضر با استفاده از استراتژی تحلیل تماتیک، مصاحبه‌های انجام شده بر حسب اهداف و سوالات پژوهش مرتب‌سازی و سازماندهی شدند. سپس، با واکاوی محتوایی و مفهومی آن‌ها، مضامین پایه (بیانگر نکته مهمی در متن است و با ترکیب آن‌ها، مضمون سازمان دهنده ایجاد می‌شود) و مضامین سازمان دهنده (مضمونی که واسط بین مضامین فراگیر و پایه است) استخراج شده و با ارجاع به دیدگاه امیک پاسخگویان مستندسازی و ارائه شدند. در نهایت، با توجه به مقوله‌های استخراج شده، الگوی نظری مبتنی بر داده‌های گردآوری شده و مضامین فراگیر (مضمونی که در کانون شبکه مضامین قرار می‌گیرد) آن‌ها ترسیم شده و مورد تفسیر قرار گرفته است. تحلیل تماتیک در پژوهش حاضر در پنج گام صورت گرفته است. در مرحله اول که مربوط به آشنایی با داده‌ها است، بعد از این که مصاحبه‌های صوتی، انجام و به نوشتار تبدیل شد، مورد بررسی قرار گرفتند و مجدداً خوانده شدند تا آشنایی با داده‌ها حاصل گردد. محققان در مرحله دوم (تولید کدهای اولیه یا استخراج مفاهیم از عبارات معنایی) با یک روش معنادار و نظام‌مند شروع به کدگذاری داده‌ها نمودند. در مرحله سوم، پژوهشگران در جستجوی تم‌ها برآمدند. جستجوی تم‌ها، کنکاش برای یافتن تم‌هایی (فرعی) است که یک یا دسته‌ای از مفاهیم استخراجی را در بر گیرد؛ سپس یافتن تم‌های اصلی که یک یا چند تم فرعی را پوشش دهد. در مرحله چهارم (بررسی تم‌ها)، تم‌های اولیه را که در مرحله سوم شناسایی شده بودند، بررسی، اصلاح و توسعه داده شدند. سپس پژوهشگران با تجمیع تم‌های فرعی در گستره‌های معنایی وسیع‌تر به تم اصلی (مضمون فراگیر) رسیدند.

مشارکت کنندگان پژوهش حاضر، دختران ازدواج کرده کمتر از ۱۵ سال یعنی متولدین ۱۳۸۶ به بعد در شهر تیتکانلو هستند. در روش‌های کیفی، چارچوب نمونه‌گیری به جای آن که معرف آماری باشد،

هدف‌مند^۱ و نظری^۲ است. در پژوهش حاضر نیز نمونه‌گیری با استفاده از روش نمونه‌گیری هدف‌مند شروع و بر اساس نمونه‌گیری نظری تا اشباع داده‌ها ادامه یافت. در واقع، بر اساس نمونه‌گیری هدف‌مند سعی شد افرادی که حامل تجربه‌های مرتبط با موضوع و مسئله و پرسش‌های تحقیق بودند انتخاب شوند. یعنی از دختران ازدواج کرده کمتر از ۱۵ سال انواع مختلف اطلاعات لازم از جنبه‌های مختلف مسئله تحقیق به دست آورده شد. در واقع، این افراد در حوزه مسئله پژوهش به گونه‌ای انتخاب شدند که داده‌های مورد نیاز تحقیق از جهت تنوع و کفایت آن به اشباع برسد و داده‌های گردآوری شده هم حالت-های متوسط و متعارف^۳ و هم حالت‌های مفرط یا انحرافی^۴ را نشان دهند. سپس برای رسیدن به اشباع نظری با نمونه‌های بیشتر و دیگری از دختران ازدواج کرده کمتر از ۱۵ سال مصاحبه صورت گرفت تا در نهایت به نظریه‌ای که توان کافی و لازم در زمینه توضیح و تبیین موضوع و مسئله پژوهش را دارا باشد، دست یابیم. در مطالعه حاضر، با توجه به ماهیت کیفی پژوهش، لزومی به مشخص کردن تعداد نمونه به صورت پیشفرض وجود نداشته است و تکرار داده‌های گردآوری شده قبل، مشخص کننده تعداد نمونه‌هاست. در واقع، اشباع اطلاعاتی یا نظری ملاک خاتمه نمونه‌گیری است. در مجموع، با ۲۴ نفر مصاحبه شد چرا که داده‌های گرد آمده، تکراری شدند و طبقات اطلاعاتی جدیدی به دست نیامدند و بدین ترتیب محققان به اشباع نظری دست یافتند.

در پژوهش حاضر، برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختار یافته استفاده شده است. مصاحبه‌ها با وقت قبلی و سئوالات جذاب و غیر رسمی شروع شدند. در طول مصاحبه، پژوهشگر با ایجاد یک رابطه صمیمی با پاسخگو، سعی نمود تا همه نظرات و دیدگاه‌های وی را در زمینه مسئله پژوهش به دست بیاورد. هم چنین به مشارکت کنندگان اطمینان خاطر داده شد که همه نظرات و اطلاعات شخصی آن‌ها کاملاً محرمانه خواهد ماند و کسی جز محقق بدان‌ها دسترسی نخواهد داشت. مدت زمان مصاحبه با هر مشارکت‌کننده به طور متوسط ۱ ساعت طول کشید.

هم چنین برای اعتبار و اعتمادبخشی به داده‌ها، از قابلیت اعتبار یا اعتبارپذیری (که به واقعی بودن توصیف‌ها و یافته‌های پژوهش اشاره دارد و عبارت است از درجه اعتماد به واقعی بودن یافته‌ها برای شرکت کنندگان پژوهش و برای زمینه‌ای که پژوهش در آن انجام شده است)، انتقال‌پذیری (به درجه‌ای گفته می‌شود که در آن نتایج یک مطالعه کیفی می‌تواند به محیط دیگر نیز منتقل شده و برای جمعیتی متفاوت به کار رود)، قابلیت اعتماد (عبارت است از توانایی شناسایی جایی که داده‌های یک مطالعه معین از آن آمده، گردآوری شده و به کار رفته‌اند) و قابلیت تأیید (نشان دادن این امر که یافته‌های پژوهش عملاً و واقعاً مبتنی بر داده‌ها می‌باشند) استفاده شده است. در واقع، در پژوهش حاضر، به منظور رعایت

1. Purpsive Sample
2. Theoretical Sample
3. Typical Case
4. Extreme or Deviant Case

قابلیت اعتبار یا روایی پژوهش سعی شد افرادی وارد مطالعه شوند که اطلاعات مفیدی در خصوص کودک همسری داشتند. برای رسیدن به انتقال‌پذیری، از آن جایی که در روش کیفی پژوهشگر موظف است تا مجموعه داده‌ها و توصیفات متنی خود را به نحوی کامل و غنی عرضه کند، سعی شد با عرضه کامل یافته‌ها، این مهم تحقق یابد. برای دستیابی به قابلیت اعتماد، یافته‌های پژوهش به چند تن از پاسخگویان داده شد و از آن‌ها خواسته شد تا نتایج را بررسی و بازبینی کرده، نظرات خود را اعلام کنند. قابلیت تأیید نیز از طریق مرور و بازبینی‌های دقیق و چندین باره داده‌ها، تفسیرها و یافته‌های این مطالعه با نگاهی به مطالعات پیشین حاصل شد.

یافته‌ها

سیمای کلی مشارکت کنندگان

در جدول (۱) ویژگی‌های دموگرافیک یا جمعیت‌شناختی مشارکت کنندگان پژوهش آورده شده است. اطلاعات این جدول بیانگر آن است که مشارکت کنندگان به لحاظ سن در بازه ۱۲ تا ۱۵ سال قرار دارند. پایین‌ترین سن موقع ازدواج، ۱۱ سال و بیشترین سن، ۱۴ سال بود. میزان تحصیلات مشارکت کنندگان از پنجم ابتدایی تا سوم راهنمایی است و شغل همه آن‌ها خانه‌داری است. به لحاظ تعداد فرزند نیز ۱۰ نفر از مشارکت کنندگان بدون فرزند، ۱۳ نفر، تک فرزند و یک نفر نیز دو فرزند دارد.

جدول شماره (۱): مشخصات کلی مشارکت کنندگان

نام مستعار	سن	سن موقع ازدواج	میزان تحصیلات	شغل	تعداد فرزند
مریم	۱۵	۱۳	سوم راهنمایی	خانه‌دار	۱
مهدیه	۱۴	۱۲	ششم ابتدایی	خانه‌دار	۱
زهرا	۱۳	۱۲	ششم ابتدایی	خانه‌دار	۲
الناز	۱۲	۱۱	پنجم ابتدایی	خانه‌دار	۰
مهناز	۱۴	۱۳	سوم راهنمایی	خانه‌دار	۱
شراره	۱۲	۱۲	ششم ابتدایی	خانه‌دار	۰
کوثر	۱۵	۱۴	هشتم راهنمایی	خانه‌دار	۱
اسما	۱۳	۱۲	ششم ابتدایی	خانه‌دار	۰
سمیرا	۱۴	۱۲	ششم ابتدایی	خانه‌دار	۱
شهلا	۱۲	۱۱	پنجم ابتدایی	خانه‌دار	۰
بنفشه	۱۳	۱۲	ششم ابتدایی	خانه‌دار	۰
منیژه	۱۵	۱۳	هفتم راهنمایی	خانه‌دار	۱
پریسا	۱۴	۱۲	ششم ابتدایی	خانه‌دار	۱
الهه	۱۲	۱۱	پنجم ابتدایی	خانه‌دار	۰

۰	خانه‌دار	ششم ابتدایی	۱۲	۱۳	فهیمة
۰	خانه‌دار	ششم ابتدایی	۱۲	۱۵	راحله
۱	خانه‌دار	ششم ابتدایی	۱۲	۱۴	ریاب
۱	خانه‌دار	ششم ابتدایی	۱۲	۱۴	حنانه
۰	خانه‌دار	ششم ابتدایی	۱۲	۱۳	نسترن
۱	خانه‌دار	سوم راهنمایی	۱۳	۱۵	سارا
۰	خانه‌دار	پنجم ابتدایی	۱۱	۱۲	مژگان
۱	خانه‌دار	ششم ابتدایی	۱۲	۱۴	مینا
۱	خانه‌دار	ششم ابتدایی	۱۲	۱۴	ساناز
۰	خانه‌دار	پنجم ابتدایی	۱۱	۱۲	فاطمه

راهبردهای زنان در مواجهه با ازدواج زود هنگام

سازش با شرایط موجود

سازش با شرایط موجود یکی از پر کاربردترین راهبردهایی است که افرادی که در سن پایین ازدواج کرده‌اند از خود نشان می‌دهند. در واقع، اکثر دخترانی که دچار کودک همسری شده‌اند به خاطر «حفظ آبروی خانوادگی»، «عرف و رسوم جامعه» و «فروتنی به خاطر فرزندان» وضع موجود را قبول می‌کنند و سعی دارند با شرایط موجود کنار بیایند. هم چنین در برخی موارد، وضع موجود خود را به «سرنوشت» و «قسمت» نسبت می‌دهند و معتقدند که قسمت و سرنوشت ما هم این طور بوده است. در این زمینه، برخی از مشارکت کنندگان گفته‌اند:

«خب چاره دیگه‌ای ندارم مجبوراً این وضع را تحمل کنم و به جورایی باهاش کنار بیایم. نمی‌توانم که بچه‌ام را ول کنم و برم دنبال زندگی شخصی خودم» (مهدیه، ۱۴ ساله).

«سرنوشت منم این جور بوده خب و حتماً یک حکمتی داشته که زودتر ازدواج کرده‌ام. چاره‌ای نیست باید باهاش کنار بیام» (شاهلا، ۱۲ ساله).

ناکامی

برخی از زنانی که زود ازدواج کرده‌اند به شدت احساس ندامت یا پشیمانی می‌کنند و حسرت روزهای گذشته را می‌خورند. آن‌ها معتقدند اگر زمان به عقب بر می‌گشت مطمئناً ازدواج نمی‌کردند. این احساس ندامت و پشیمانی به حدی است که زنان پس از ازدواج زود هنگام دچار نوعی انزوا یا گوشه‌گیری می‌شوند و با توجه به این که مرحله قبل یعنی دوران نوجوانی به شکل درست و مناسب طی نشده است، فرد پایگاه‌های اجتماعی هم‌چون مدرسه را که برای رشد مهارت‌های اجتماعی و فرایند جامعه‌پذیری لازم

است، ترک کرده، در چارچوب منزل محصور می‌شود و در معرض انزوای عاطفی، تنهایی و افسردگی قرار می‌گیرد. در این زمینه، برخی از مشارکت‌کنندگان گفته‌اند:

«خیلی پشیمانم از این که زود ازدواج کرده‌ام اگر به گذشته بر می‌گشتم مطمئناً در سن پایین ازدواج نمی‌کردم. حیف از روزهای گذشته» (منیژه، ۱۵ ساله).

«همه‌اش در خونه هستم و خیلی کم بیرون می‌آیم و از نظر عاطفی خیلی تنها هستم. قبل این که ازدواج کنم خیلی از زندگیم راضی بودم دوست داشتم درس بخونم ولی الان همه آن‌ها را از دست دادم» (سارا، ۱۵ ساله).

شوهرش

بی‌علاقه‌گی و خیانت به شوهر از جمله دیگر راهبردهایی است که برخی از مشارکت‌کنندگان در مواجهه با کودک همسری از خود نشان می‌دهند. بی‌علاقه‌گی و خیانت به شوهر شامل «سرد شدن از شوهر»، «بی‌علاقه شدن به شوهر»، «عدم تمایل به رابطه جنسی با شوهر»، «خیانت به شوهر»، «پیدا کردن دوست پسر» است. در واقع، برخی از زنانی که در سنین پایین ازدواج کرده‌اند با این راهبرد نوعی انتقام از شرایط خانواده و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند می‌گیرند. در این زمینه، برخی از مشارکت‌کنندگان گفته‌اند:

«علاقه‌ای به شوهرم ندارم. ازش متنفرم و خیلی کم باهاش رابطه جنسی دارم و خیلی سرد باهاش برخورد می‌کنم» (راحله، ۱۵ ساله).
«من هیچ نوع اشتراکاتی با شوهر ندارم دو برابر من سن دارد. برای همین منم برای خودم دوست پسر پیدا کرده‌ام» (مژگان، ۱۲ ساله).

یکی دیگر از راهبردهای مشارکت‌کنندگان در مقابل کودک همسری که راهبرد بسیار نادری است، اقدام به خودکشی است. در واقع، برخی از زنانی که در سن پایین ازدواج کرده‌اند، شرایط زندگی‌شان را غیر قابل تحمل می‌دانند و برای راحت شدن از این شرایط، حتی حاضرند خودکشی کنند. البته هیچ کدام از مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر به شکلی عملی مرتکب خودکشی نشده‌اند و عمدتاً به آن فکر کرده‌اند. برخی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه گفته‌اند:

«بعضی وقت‌ها برای خلاص شدن از این شرایط به سرم می‌زند که خودکشی کنم اما راستش می‌ترسم. نمیدونم شاید روزی این کار رو کردم» (الهه، ۱۲ ساله).

«وقتی کارد به استخوان آدم می‌رسد از سر ناچاری هر کاری می‌کنه. خدا ازدواج در بچه‌گی را نصیب هیچ دختری نکند. چون تجربه خیلی بدی هست. من خودم برای رها شدن از این شرایط حاضرم هر کاری کنم حتی خودکشی» (سمیرا، ۱۴ ساله).

اقدام به طلاق از دیگر مقولات محوری به دست آمده در راهبرد شورش است که عمدتاً افرادی که نمی‌توانند وضع موجود را تحمل کنند، دست به آن می‌زنند. با توجه به بالا بودن قبح طلاق قانونی در شهر تیتکانلو، هیچ کدام از مشارکت کنندگان نتوانسته‌اند طلاق بگیرند. لذا، با توجه به بسته بودن راه طلاق قانونی، برخی از مشارکت کنندگان سراغ طلاق عاطفی می‌روند. برخی از مشارکت کنندگان در این زمینه گفته‌اند:

«واقعا از وضع موجود خسته شده‌ام. پارسال می‌خواستم طلاق بگیرم اما پدر و مادرم نگذاشته‌اند. این جا چون شهر کوچکی هست اگر طلاق بگیری باید تا آخر عمرت سر بار پدر و مادرت باشی» (ساناز، ۱۴ ساله)
 «بعد سه چهار ماه از ازدوایم می‌خواستم طلاق بگیرم که نشد. الان هم فقط باهاش زیر یک سقف هستیم و هیچ عشق و علاقه‌ای در کار نیست» (مینا، ۱۴ ساله).

جدول شماره (۲): راهبردها یا استراتژی‌های مشارکت کنندگان در مواجهه با ازدواج زود هنگام

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
سازش	پذیرش وضع موجود	کنار آمدن با شرایط موجود، نسبت دادن وضع موجود به سرنوشت و تقدیر، تحمل شرایط به دلیل عرف و رسوم، تحمل شرایط به توصیه دیگران، تحمل شرایط به خاطر فرزندان
ناکامی	احساس ندامت	پشیمانی از زود ازدواج کردن، منصرف شدن از ازدواج در صورت برگشت زمان به عقب، احساس پشیمانی در کاری که در آن نقشی نداشته‌ای
	حسرت	حسرت نسبت به گذشته، حسرت به دوران کودکی، حسرت به دوستان، حسرت در رسیدن به آرزوها
شورش	بی‌علاقگی و خیانت به شوهر	سرد شدن از شوهر، بی‌علاقه شدن به شوهر، عدم تمایل به رابطه جنسی با شوهر، خیانت به شوهر، پیدا کردن دوست پسر
	اقدام به خودکشی	فکر کردن به خودکشی، هجوم افکار خودکشی
	اقدام به طلاق	عدم تحمل وضع موجود، درخواست طلاق دادن، به فکر طلاق افتادن، طلاق عاطفی

پیامدهای ازدواج زود هنگام

از نظر مشارکت کنندگان پیامدهای ازدواج زود هنگام عبارتند از: خشونت خانگی، فرسایش سرمایه اجتماعی، تضعیف توان‌مندی‌های خانوادگی، و مشکلات فیزیکی و مسائل دوران بارداری.

خشونت خانگی

خشونت خانگی از جمله پیامدهای شایعی است که زنانی که در سنین پایین ازدواج کرده‌اند، دچار آن می‌شوند. این خشونت به شکل‌های روانی، فیزیکی، جنسی، و مالی است. خشونت روانی شامل بدرفتاری کلامی و عاطفی مثل دشنام و ناسزا، تحقیر وضعیت جسمانی و تمسخر در جمع است که نتیجه آن به هم خوردن تعادل روانی و از بین رفتن اعتماد به نفس و پیدایش تصورات واهی و تمایل به خودکشی

است. در واقع، خشونت روانی رفتار خشونت‌آمیزی است که شرافت و آبروی زن را خدشه‌دار می‌کند و به صورت انتقاد ناروا، تحقیر، توهین، تمسخر، فحاشی، بدزبانی و تهدیدهای مداوم به طلاق یا ازدواج مجدد اعمال می‌شود. برخی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه گفته‌اند:

«شوهرم همیشه با زور باهام رفتار می‌کند و اکثراً هم به من فحش می‌دهد که این چه غذایی هست که درست کردی. خیلی تحقیرم می‌کند» (اللهه، ۱۲ ساله).

«شوهرم از من هی ایراد می‌گیرد و مسخره‌ام می‌کند که چرا نمی‌توانی کارها رو درست انجام بدی. حتی تهدیدم می‌کنه که می‌خواهم زن دیگه‌ای بگیرم» (اسما، ۱۳ ساله).

خشونت فیزیکی با رفتارهایی مانند با ناخن خراشیدن، گاز گرفتن، چنگ زدن، تکان دادن، تنه زدن، هل دادن، پرت کردن، پیچ و تاب دادن، سیلی زدن، مشت زدن، اقدام به خفه کردن، کتک زدن و ... مشخص می‌شود. البته این خشونت در مورد تمام زنان و در هر سطح اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی ممکن است روی دهد. عدم آگاهی به حقوق انسانی عدم اعتماد به نفس و ترس از دست دادن پایگاه اقتصادی و اجتماعی، باعث سکوت و سازش زنان در برابر این پدیده شده است. سکوت و سازش آن‌ها باعث می‌شود در معرض خشونت‌های مکرر قرار گیرند. برخی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه گفته‌اند:

«تا یک اشتباهی می‌کردم جلوی خانواده‌اش کتکم می‌زد. چند بار هم بشقاب و قابلمه را به هم پرت کرده که دفعه آخر سرم شکست و بخیه زدن» (فهیمه، ۱۳ ساله).

«چند بار از شوهرم سیلی خوردم و لگد و مشت هم زده که جاش کیود شده بود. این جور چیزها تو خانه ما عادی شده دیگه» (شراره، ۱۲ ساله).

خشونت جنسی به معنی تمامی رفتارهایی است که زن را مجبور به برقراری رابطه جنسی کند. سوء رفتارهای جنسی یکی از پدیده‌هایی است که مطابق اظهارات مشارکت‌کنندگان به کرات در خانواده‌ها صورت می‌گیرد. این در حالی است که رابطه جنسی باید به دور از اجبار، تهدید و خشونت صورت گیرد. ازدواج زود هنگام از این منظر نوعی سوء استفاده جنسی و بهره‌کشی جنسی است. سن کم، فقدان آموزش صحیح و ناآگاهی از حقوق جنسی، کودک همسران را بیشتر در معرض روابط جنسی اجباری خشونت‌آمیز قرار می‌دهد. برخی از مشارکت‌کنندگان در این زمینه گفته‌اند:

«من در سن ۱۳ سالگی وارد رابطه جنسی با شوهرم شدم واقعاً تجربه خیلی بدی برام بود و کلی درد تحمل کردم» (بنفشه، ۱۳ ساله).

«بدون ایجاد معاشقه و آمادگی اوایل ازدواج من رو مجبور کرد که باهش رابطه برقرار کنم و اصلاً توجهی به من نمی‌کرد، کار خودش رو می‌کرد و می‌رفت» (سارا، ۱۵ ساله).

خشونت اقتصادی یا مالی یعنی ندادن خرجی یا سوء استفاده‌های مالی از زن، کنترل دائمی مخارج زن و پنهان کردن میزان درآمد خود. ازدواج در سنین پایین باعث می‌شود که فرد در مهارت‌های شخصی و اجتماعی و استقلال مالی پیشرفتی نکند. به همین دلیل، زنانی که در سن کم ازدواج می‌کنند، به طور کامل وابسته به شوهر خود رشد می‌کنند و قادر به ایستادگی در برابر خشونت همسر خود نیستند. برخی از مشارکت کنندگان در این زمینه گفته‌اند:

«پولی به هم نمی‌دهد و وقتی می‌خواهم بروم به آرایشگاه معمولی باید چندین بار ازش درخواست کنم تا چندرغاز به هم پول بده» (مریم، ۱۵ ساله).

«حساب و کتاب همه چیز رو از من می‌خواهد و اگر ده هزار تومن از پولی که به هم داده بود باقی بماند آن را از من می‌گیرد» (فاطمه، ۱۲ ساله).

فرسایش سرمایه اجتماعی

مضمون فراگیر فرسایش سرمایه اجتماعی ترکیبی از پنج مضمون سازمان دهنده است که عبارتند از: نارضایتی از زندگی بازماندن از رشد اجتماعی، کاهش قدرت و اقتدار زن، کودکی از دست رفته، افزایش و فشار مسئولیت‌ها، اظهارات مشارکت کنندگان نشان می‌دهد که ازدواج زود هنگام منجر به نارضایتی از زندگی در بین دخترانی شده است که در سنین پایین ازدواج کرده‌اند. این نارضایتی از زندگی عمدتاً به شکل «احساس ناامیدی کردن»، «حس پیری زود هنگام»، «احساس ناتوانی یا درماندگی»، «احساس بی‌کفایتی کردن» و «از دست دادن حس شور و نشاط جوانی» است. در واقع، اظهارات مشارکت کنندگان بیانگر آن است که پیامدهای غیرقابل جبرانی برای روح و روان زنان دارد. در این زمینه، برخی از مشارکت کنندگان گفته‌اند:

«با این که الان در سن نوجوانی هستم اما احساس می‌کنم پیر شده‌ام و از همه چی خسته شده‌ام» (راحله، ۱۵ ساله).

«دیگه به هیچی علاقه ندارم و کاملاً ناامید شده‌ام و خودم را یک فرد بی‌خاصیت می‌دانم» (کوثر، ۱۵ ساله).

یکی دیگر از پیامدهای کودک همسری بر روی زنان، باز ماندن از رشد و پیشرفت اجتماعی است. زنانی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند مجبور به ترک تحصیل از مدرسه می‌شوند و عمدتاً نمی‌توانند برای ادامه تحصیل وارد دبیرستان و دانشگاه شوند. با ترک تحصیل از مدرسه فرد از فرصت‌های تحصیلی و شغلی محروم می‌ماند. هم چنین کودک همسری باعث جدایی ناگهانی فرد از دوستان و همبازی‌ها و همکلاسی می‌شود و همه این پیامدها منجر به از بین رفتن آرزوها و رویاهای فرد می‌شود. در این زمینه، یکی از مشارکت کنندگان گفته است:

«سال اول راهنمایی بودم که عقد کردم و دیگر اجازه ندادند درس بخوانم. دوست داشتم در آینده صاحب یک شغلی بشوم ولی با زود ازدواج کردن این فرصت از من گرفته شد» (اللهه، ۱۲ ساله).

«از وقتی که به عقد شوهرم درآمدم به هم اجازه نداد درس بخوانم. البته مدرسه هم به من اجازه نداد که ادامه تحصیل بدهم» (شهلا، ۱۲ ساله).

کودکی از دست رفته یا حذف یکی از مراحل اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری از دیگر پیامدهای ازدواج - های زود هنگام است. در واقع، دخترانی که در سنین بسیار پایین ازدواج می‌کنند به طور ناگهانی از مرحله کودکی به مرحله بزرگسالی پرت می‌شوند. اظهارات مشارکت کنندگان بیانگر آن است که آن‌ها به هیچ وجه از دوران کودکی سیر نشده‌اند و اصلاً کودکی نکرده‌اند و از لذت‌های دوران کودکی هم چون بازی کردن با سایر کودکان بهره‌ای نبرده‌اند. در این زمینه مشارکت کنندگان می‌گویند:

«تا دیروز در کوچه و بیرون با بچه‌ها بازی می‌کردم و بهو من رو بردن سر سفره عقد. دیگر انتظارات از من رفته بود بالا و به چشم یک زن به من نگاه می‌کردند در حالی که من دوست داشتم کودکی بکنم» (شراره، ۱۲ ساله).

«از دوران کودکی‌ام اصلاً لذتی نتوانستم ببرم و واقعاً از کودکی سیر نشدم چون در سن ۱۲ سالگی ازدواج کردم» (پریسا، ۱۴ ساله).

از دیگر پیامدهای کودک همسری، کاهش قدرت و اقتدار زنان است. با توجه به این که زنانی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند از مهارت‌های زندگی لازم برخوردار نشده‌اند، عمدتاً تحت سلطه شوهرشان قرار می‌گیرند. این سلطه مطابق اظهارات مشارکت کنندگان تا حدی است که روح و روان و جسم زن تحت کنترل و نظارت شوهر قرار می‌گیرد و بدین سان آن‌ها نمی‌توانند هیچ گونه مشارکتی در تصمیمات خانواده داشته باشند. علاوه بر این، کاهش قدرت و اقتدار زنان باعث کاهش قدرت چانه‌زنی زنان در امور خانواده می‌شود و در شدیدترین حالت میزان این تسلط و سلطه به حدی است که مرد زن را حق ادامه تحصیل (که جز حقوق اولیه و اساسی یک انسان است) باز می‌دارد. در این زمینه، برخی از مشارکت کنندگان گفته‌اند:

«تقریباً ۱۳ سالم بود که رفتم خونه شوهرم. هیچی نمی‌توانستم بگم و شوهرم هر جور دوست داشت باهام رفتار می‌کرد و مسائل مربوط به خانواده از من نظری نمی‌خواست» (مهناز، ۱۳ ساله).

«همه جور از نظر روحی و جسمی تحت تسلط شوهرم قرار گرفته بودم آخه بچه بودم چیزی هم نمی‌دانستم» (نسترن، ۱۲ ساله).

اظهارات مشارکت کنندگان نشان می‌دهد که افزایش و فشار مسئولیت‌ها از دیگر پیامدهای کودک همسری است. در این زمینه آن‌ها در اظهارات‌شان گفته‌اند که خانواده شوهر آن‌ها را با زنان بزرگسال و کاربلد مورد مقایسه قرار می‌دهند و انتظارات بی‌حد و بی‌حصری از دختران نوعروس دارند. بسیاری از مسئولیت‌هایی که به این دختران نوعروس داده می‌شود تناسبی به شرایط سنی و جسمی آن‌ها ندارد و از

پس انتظارات خانواده شوهر بر نمی‌آیند. افزایش و فشارها مسئولیت‌ها نیز باعث می‌شود که این افراد در جوانی دچار مشکلات روحی و جسمی زیادی بشوند. در این زمینه، برخی از مشارکت کنندگان گفته‌اند:

«خانواده شوهرم انتظار داشتند من به خوبی یک زن ۳۰ ساله آشنیزی کنم و

از عهده هر کاری بر بیایم» (ساناز، ۱۴ ساله).

«مادر شوهر مدام میگه که تو هیچی بلد نیستی و نمی‌توانی کارها را

انجام بدی و خیلی از کارهای خونه می‌مونه، یا میگه تا ساعت ۸ صبح کی

می‌خوابه که تو می‌خوابی» (فهیمه، ۱۳ ساله).

تضعیف توان‌مندی‌های خانوادگی

مضمون فراگیر تضعیف توان‌مندی‌های خانوادگی ترکیبی از دو مضمون سازمان دهنده ضعف مهارت‌های زندگی مشترک و ضعف مهارت‌های زناشویی است. با توجه به این که اکثر دختران در شهر تیتکانلو زیر ۱۸ سال ازدواج می‌کنند و از ادامه تحصیل منع می‌شوند، مهارت‌های لازم برای زندگی را کسب نمی‌کنند. بسیاری از این زنان معتقدند که تا اکثر مواقع در حل مسائل و مشکلات خانوادگی‌شان ناتوان بودند و نمی‌توانستند این مشکلات را مدیریت کنند. هم چنین به خاطر این که خودشان نوجوان بودند نمی‌توانستند به شکل مناسبی از فرزندشان مراقبت و نگهداری کنند. این زنان به شدت به خانواده یا والدین خود در حل مشکلات و امورات زندگی‌شان وابسته می‌شوند و در برخی از مواقع خانواده‌ها در اموراتشان دخالت نیز می‌کنند. در این زمینه، برخی از مشارکت کنندگان گفته‌اند:

«در اوایل ازدواجم نمی‌توانستم خیلی از مشکلات را حل کنم و هر مشکلی

برام پیش می‌آمد از مادرم کمک می‌خواستم» (مینا، ۱۴ ساله).

«در ۱۴ سالگی بچه‌ام به دنیا آمد و نمی‌دانستم چطور بچه‌داری کنم خب

خودم راستش بچه بودم و یکی می‌خواست از من مراقبت کنه» (مریم، ۱۵

ساله).

ضعف مهارت‌های زناشویی از دیگر پیامدهای ازدواج‌های زود هنگام در بین زنانی است که در سنین پایین ازدواج کرده‌اند. اظهارات مشارکت کنندگان بیانگر آن است که بسیاری از این زنان به خاطر نداشتن آگاهی جنسی در شب عروسی استرس گرفته بودند و از برقراری رابطه جنسی به شدت ترس داشتند. هم چنین در زمینه شیوه‌های پیشگیری از بارداری اطلاعات مناسبی نداشتند و این امر خود نیز منجر به بیماری‌های مقاربتی نزد زنان مشارکت کننده شده بود. در این زمینه، برخی از مشارکت کنندگان گفته‌اند:

«شب عروسی از استرس کم مونده سکنه کنم و ترس تمام وجودم را گرفته

بود که چکار باید کنم، هیچ چیزی در این مورد نمی‌دانستم و کسی هم

چیزی به من در این زمینه نگفته بود» (الناز، ۱۲ ساله).

«به خاطر ناآگاهی و استفاده از شیوه‌های نامناسب برای پیشگیری از

بارداری دچار بیماری‌های مقاربتی می‌شدم» (راحله، ۱۵ ساله).

مشکلات فیزیکی و مسائل دوران بارداری

مضمون فراگیر مشکلات فیزیکی و مسائل دوران بارداری ترکیبی از دو مضمون سازمان دهنده مشکلات بهداشتی و پزشکی و مشکلات دوران حاملگی و زایمان است. کودک همسری با خود یک سری مشکلات روحی و جسمانی نیز دارد. از جمله این مشکلات می‌توان به «افسردگی»، «کم خونی به خاطر سقط جنین»، «پوکی استخوان»، «پارگی ناحیه پرینه»، «آسیب‌پذیری در برابر بیماری‌های مقاربتی و سرطان دهانه رحم»، «عفونت دهانه رحم به علت استفاده از داروهای غیر بهداشتی» و ... اشاره نمود. در واقع، دختران در سنین پایین‌تر به‌خاطر شرایط فیزیکی بدن‌شان مستعد ابتلاء به بیماری‌های مقاربتی هستند. سلول‌های واژن و دهانه رحم دختران در سنین پایین، سلول‌های حفاظت‌کننده ندارد و در سنین کم، به راحتی آسیب می‌بیند. در این زمینه، برخی از مشارکت‌کنندگان گفته‌اند:

«به خاطر زایمان در سن پایین دکترم گفت که دچار پوکی استخوان شدم و

بدنم الان خیلی ضعیف است» (منیره، ۱۵ ساله).

«به خاطر بارداری‌های مداوم و دو بار سقط جنینی که کرده‌ام دچار کم

خونی شدید شده‌ام» (کوثر، ۱۵ ساله).

بارداری و زایمان سخت نیز از دیگر پیامدهای کودک همسری در بین زنانی است که در سنین پایین ازدواج می‌کنند. اظهارات مشارکت‌کنندگان بیانگر آن است که بارداری در سنین پایین با توجه به رشد نکردن اندام‌های تناسلی و تولید مثل، منجر به مشکلات متعدد جسمی یا بدنی، دردهای بدنی موقع زایمان، سقط جنین و بارداری‌های پی‌در پی در آن‌ها شده است. این در حالی است که از نظر علم پزشکی و طب مامایی، بارداری در سنین زیر ۱۸ سال به‌عنوان حاملگی پرخطر شناخته می‌شود. در این زمینه، مشارکت‌کنندگان معتقدند:

«در سن ۱۴ سالگی زایمان کردم خیلی درد داشت تجربه وحشتناکی برایم

بود» (مهناز، ۱۴ ساله).

«دو بار سقط جنین کردم چون ۱۴ سالم بود و دکتر گفت که بدنت ضعیف

هست نباید حامله بشوی» (مریم، ۱۵ ساله).

جدول شماره (۳): پیامدهای ازدواج زود هنگام

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
خشونت خانگی	خشونت جنسی	خشونت جنسی از سوی شوهر، خشونت از سوی شوهر برای برقراری رابطه جنسی، برقراری رابطه جنسی علی‌رغم میل باطنی، برقراری رابطه جنسی بدون معاشقه، برقراری رابطه جنسی مکرر، برقراری رابطه جنسی همراه با درد، رابطه جنسی اجباری
	خشونت فیزیکی	کتک زدن زن توسط شوهر، کتک زدن زن توسط برادر شوهر، کتک خوردن از سمت خانواده مرد، ضرب و شتم کردن، پرتاب کردن وسایل به سمت زن، با ناخن خراشیدن، گاز گرفتن، چنگ زدن، تکان دادن، تنه زدن، هل دادن، پرت کردن، پیچ و تاب دادن، سیلی زدن، مشت زدن، اقدام به خفه کردن
	خشونت روانی	بددهنی کردن شوهر، بد و بیرا شنیدن از سوی شوهر، تحقیر کردن، خوار و کوچک کردن، سوءظن و شکاک بودن نسبت به زن، فحش دادن به زن، تهدید کردن زن به طلاق، تهدید کردن به ازدواج مجدد یا هوو آوردن
	خشونت اقتصادی مالی	پول ندادن به زن، عدم تامین خواسته‌های مالی زن، مخالفت با کار زن در بیرون از خانه، خساست کردن، حساب و کتاب در زمینه چگونه خرج کردن پول توسط زن
فرسایش سرمایه اجتماعی	نارضایتی از زندگی	احساس ناامیدی، حس پیری زود هنگام، احساس درماندگی، احساس بی‌کفایتی، از دست دادن حس شور و نشاط جوانی، افسردگی و اضطراب
	باز ماندن از رشد اجتماعی	ترک تحصیل، وارد نشدن به دبیرستان، وارد نشدن به دانشگاه، از دست دادن فرصت‌های تحصیلی و شغلی
	کاهش قدرت و اقتدار زن	تحت سلطه مرد قرار گرفتن، عدم مشارکت زن در تصمیمات خانواده، تسلط مرد بر ذهن و روان زن، محدود شدن از سوی شوهر، جلوگیری مرد از تحصیل زن، تحت کنترل شدید مرد قرار گرفتن
	کودکی از دست رفته	کودکی نکردن، لذت نبردن از دوران کودکی، سیر نشدن از دوران کودکی، ورود ناگهانی به دوران بزرگسالی، محرومیت از کودکی
	افزایش و فشار مسئولیت‌ها	داشتن انتظارات بی‌حد و بی‌جا از دختر (عروس)، مقایسه عروس با افراد سن بالا و کاربرد، عدم توانایی در پاسخگویی به انتظارات خانواده شوهر، عدم تناسب مسئولیت دخترها با سن آن‌ها
تضعیف توانمندی‌های خانوادگی	ضعف مهارت‌های زندگی مشترک	ناتوانی در حل مسائل و مشکلات خانوادگی، ناتوانی در مدیریت مشکلات خانوادگی، ناتوانی در مراقبت و نگهداری از فرزند، وابسته بودن به خانواده یا والدین خود، دخالت خانواده‌ها در امورات فرد
	ضعف مهارت‌های زناشویی	استرس در شب عروسی به خاطر نداشتن آگاهی جنسی، ترس از برقراری رابطه جنسی، عدم آگاهی از روش‌های پیشگیری از بارداری، عدم آگاهی از اصول همسرداری، عدم برقراری رابطه عاطفی، عدم آگاهی از فرایند تولد نوزاد
مشکلات فیزیکی و مسائل دوران بارداری	مشکلات بهداشتی و پزشکی	کم‌خونی به خاطر سقط جنین، پوکی استخوان، پارگی ناحیه پرینه، آسیب‌پذیری در برابر بیماری‌های مقاربتی و سرطان دهانه رحم، عفونت رحم به علت استفاده از داروهای غیربهداشتی
	مشکلات دوران حاملگی و زایمان	حاملگی در سنین پایین، مشکلات جسمی یا بدنی در دوران بارداری، دردهای فیزیکی موقع حاملگی و زایمان، سقط جنین، بارداری‌های پی‌درپی، زایمان دردآور به علت کوچکی لگن، بیهوشی حین زمان

بحث و نتیجه‌گیری

پدیده ازدواج زود هنگام در جامعه ایران امری دیرین و دیرپاست. هر چند این پدیده در بعضی مناطق شهری و پیشرفته امروزه کم‌رنگ‌تر شده است، اما هم‌چنان در بسیاری از مناطق شهری و روستایی کشور ما تعداد زیادی از نوجوانان در معرض خطر ازدواج زود هنگام قرار دارند و با شرایط فرهنگی موجود در جامعه ما و آموزش‌های سطح کلان در جامعه و گسترش خدمات اجتماعی و غیره هنوز معضل مهمی به شمار می‌آید. کودک همسری در زنجیره نابرابری جنسیتی تحت تأثیر فقر، توقعات اجتماعی، خشونت فرهنگی، هنجارهای کلیشه‌ای جنسیتی، هم‌چنان به عنوان یک الگوی سنتی زناشویی در میان بسیاری از اقوام و مناطق روستایی و شهرهای کوچک رواج دارد.

یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که استراتژی‌ها یا راهبردهای دخترانی که در سنین پایین ازدواج کرده‌اند متفاوت است و آن‌ها عمدتاً سعی می‌کنند به شرایط موجود کنار بیایند و با آن سازش کنند. این استراتژی با شرایط زمینه‌ای یعنی مقوله‌های اعتقادات مذهبی و برداشت‌ها و باورهای رایج در زمینه ازدواج ارتباط زیادی دارد. در واقع، نفوذ باورها و رسوم سنتی در بین مردم تیتکانلو به اندازه‌ای زیاد است که بسیاری از افراد بر اساس همین رسوم سنتی و فرهنگی، ازدواج می‌کنند. اعتقاد به سرنوشت و قسمت باعث شده که آن‌ها انتخاب‌های خود را از پیش تعیین شده بدانند و ازدواج در نوجوانی و مشکلات بعدی آن را نوعی تقدیر الهی در نظر بگیرند. اعتقاد به استخاره هم ملاکی برای انتخاب است، به طوری که بسیاری از موارد برای ازدواج فقط به یک خیر و شر و استخاره قرآنی بسنده می‌کنند و تحقیقات در مورد خواستگار و شرایط آن را بی‌مورد می‌دانند. احساس پشیمانی، بی‌علاقه‌گی و خیانت به شوهر و اقدام به خودکشی نیز دیگر راهبردهای این زنان هستند. بی‌علاقه‌گی و خیانت به شوهر و اقدام به خودکشی در مواقعی اتخاذ می‌شوند که این زنان نمی‌توانند شرایط موجود را تحمل کنند و در اصطلاح جان‌شان به لب‌شان رسیده است. این یافته در راستای یافته‌های پژوهش جوادیان و همکاران (۱۱)، است.

هم‌چنین ازدواج زودرس پیامدهای متعددی بر روی دخترانی که در سنین پایین ازدواج کرده‌اند دارد. مهم‌ترین پیامدهای کودک همسری عبارتند از: خشونت خانگی، فرسایش سرمایه اجتماعی، تضعیف توان‌مندی‌های خانوادگی، مشکلات فیزیکی و مسائل دوران بارداری. این یافته در راستای یافته‌های پژوهش جوادیان و همکاران (۱۱)، مقدادی و جوادی‌پور (۱۴)، سادات صفوی و مینایی (۲۳)، لطفی (۱۳)، گیدای (۱۰)، و گاج (۹)، است. از نظر زنانی که در سنین پایین ازدواج کرده‌اند تحمیل کودک همسری بر آن‌ها روح و روان و جسم آن‌ها را عذاب می‌دهد و باعث افزایش فشارها و مسئولیت‌های زندگی، پیری زود هنگام، از بین رفتن شور و نشاط جوانی، ناامیدی از زندگی، تحمل خشونت‌های خانگی، محروم شدن از تحصیل و غیره می‌شود. به طوری که اکثر آن‌ها از روزی که لباس سفید عروسی بر تن می‌کنند بخت - شان سیاه می‌شود.

پیشنادهای اجرایی

- با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان پیشنهادهایی در زمینه کاهش ازدواج‌های زود هنگام ارائه نمود:
- تصویب قوانین کارآمد در زمینه منع ازدواج دختران زیر ۱۸ سال نقش مهمی در کاهش ازدواج‌های زود هنگام دارد. در واقع، جلوگیری قانونی از ازدواج‌های زیر سن قانونی، اعمال محدودیت‌های قانونی، تصویب قوانین محکم و قابل اجرا در خصوص ازدواج با تعیین صغر سنی می‌تواند نقش مفیدی در این زمینه داشته باشد.
 - آگاه‌سازی خانواده‌ها و اهالی روستاها و شهرها در خصوص عوارض ازدواج زود هنگام از طریق مدارس، خانه بهداشت، شوراهای روستایی و شهری نیز می‌تواند نقش زیادی در کاهش کودک همسری داشته باشد.
 - مقابله با سنت‌ها و باورهای ناصواب از جمله تجدیدنظر در برخی از باورهای دینی، مقابله با سنت‌های نادرست ازدواج، تضعیف نظام مردسالاری در جهت از بین بردن تبعیض جنسیتی نیز می‌تواند در کاهش ازدواج‌های زود هنگام مفید باشد.

تعارض منافع

«بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.»

منابع

1. Abarokht, H. (2005). An investigation of the factors affecting the increase in the age of marriage among girls in Tehran. Master's thesis, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran.
2. Ahmadi, V. & Rezaei, A. (2015). A study of early marriage in the provinces of the country during the years 2006 to 2011. *Journal of Population*, 22 (93), P.p: 94-81.
3. Alipour Abdar, F. (2020). Investigating the underlying causes of child marriage in the city of Tabriz (a case study of women with lived experience visiting health centers). Master's thesis, Tabriz: Tabriz University, Faculty of Law and Social Sciences, Tabriz, Iran.
4. Askari, A; Rohani, A. & Gergichian, Z. (2019). Patriarchal contexts of female early marriage among Afghan migrants in the city of Yazd. *Journal of Iranian Social Studies*, 13 (4), P.p: 78-110.
5. Burcu, E; Yildirim, F; Sirma, Ç. İ. Ğ. D. E. M. & Samyaman, S. (2015). Fate of the flowers: A qualitative research on early marriage of Turkish women. *Bilig*, (73).
6. Clark, S. (2004). Early marriage and HIV risks in sub-Saharan Africa. *Studies in family planning*, 35 (3), P.p: 149-160.
7. Coale, A. J. (2015). *Growth and structure of human populations: a mathematical investigation* (Vol. 1333). Princeton University Press.
8. Eftekhazade, Z. (2015). Women's lived experience in early marriage. *Journal of Social Work Research*, 2 (3), P.p: 108-156.
9. Gage, A. (2013). Association of child marriage with suicidal thoughts and attempts among adolescent girls in Ethiopia. *Journal of Adolescent Health*, 52 (5), P.p: 654-656.
10. Giday, T. (2006). Report on causes and consequences of early marriage in amhara region. Diunduh Oktober, 10, 2013.
11. Javadian, S; Shomali Ahmadabadi, E; Torkashvand moradabadi, M. & Abedi, M. (2019). The Context and Consequences of Early Marriage of 13-16 Years Old Girls in Ardakan. *Journal of Iranian Social Studies*, 13 (4), P.p: 31-54.
12. Kazemi Pour, S. (2009). Measuring the attitudes of young people towards marriage and understanding its effects and consequences with an emphasis on student marriages. *Culture in the Islamic University*, 13 (2), P.p. 95-75.
13. Lotfi, R. (2010). Health consequences of early marriage in women. *Women and Health*, 1 (2), P.p: 79-67.
14. Meghdadi, M.M., Javadpour, M. (2017). Impact of early marriage on children's sexual health and mechanisms of deal with it. *Medical Law Journal*, 11 (40), P.p: 31-60.
15. Mourtada, R; Schlecht, J. & DeJong, J. (2017). A qualitative study exploring child marriage practices among Syrian conflict-affected populations in Lebanon. *Conflict and health*, 11 (1), P.p: 53-65.
16. Muthengi, E. N. & Erulkar, A. (2010). Building programs to address child marriage: The Berhane Hewan experience in Ethiopia.
17. Nikkhah, H. A; Fani, M. & Asgharpour, A. (2017). Students' Attitude Towards Marriage and Factors Affecting It. *Journal of Applied Sociology*, 28 (3), P.p: 99-122.
18. Omidi Shahraki, M; Nabai, N. & nouri, D. (2007). A new look at marriage: timely, conscious, easy, and sustainable. Tehran: National Youth Organization.
19. Omrani Nejad, R; Hashem zehi, N; Khabiri, K; Molla noruzy, K. & Ghadimi, B. (2021). Identifying social, psychological and physiological factors related to the early marriage

- of girls in Qom (a grounded theory). *Women's Studies Sociological and Psychological*, 19 (1), P.p: 45-86.
20. Pinheiro, PS. (2006). *World Report Violence against Children*. Geneva: United Nations.
21. Rahimi Namdar, N. (2019). A sociological study of the tendency towards child marriage and its related factors among female high school students in District Three of Tabriz. Master's thesis, Tabriz: Tabriz University, Faculty of Law and Social Sciences, Tabriz, Iran.
22. Sabbe, A; Oulami, H; Zekraoui, W; Hikmat, H; Temmerman, M. & Leye, E. (2013). Determinants of child and forced marriage in Morocco: stakeholder perspectives on health, policies and human rights. *BMC international health and human rights*, 13 (1), P.p: 1-12.
23. Sadat Safavi, H. & Minayi, M. (2015). The life experience of adolescent girls in the role of wives (a study of early marriage of girls in Aran Bidgol). *Women's Research Journal*, 6 (1), P.p: 106-87.
24. Salahshour, N. (2020). Examining the social factors affecting early marriage (child marriage) of women in Talesh. Master's thesis, Rasht: Kooshiar institute of higher education, Department of Social Sciences.
25. Segal-Engelchin, D; Huss, E. & Massry, N. (2016). The experience of early marriage: Perspectives of engaged and married Muslim women in Israel. *Journal of Adolescent Research*, 31 (6), P.p: 725-749.
26. Sheidaei, K. & Khodabakhsh, R. (2008). A study of the marriage status, reasons for delay, and roots of divorce in the city of Bonab. Master's thesis, Tabriz: Tabriz University, Faculty of Law and Social Sciences, Tabriz, Iran.
27. Uddin, M. E. (2015). Family socio-cultural values affecting early marriage between Muslim and Santal communities in rural Bangladesh. *International Journal of Sociology and Social Policy*.
28. Uecker, J. E. & Stokes, C. E. (2008). Early marriage in the United States. *Journal of Marriage and Family*, 70 (4), P.p: 835-846.
29. Vang, P. D. & Bogenschut, M. (2014). Teenage marriage, and the socioeconomic status of Hmong women. *International Migration*, 52 (3), P.p: 144-159.
30. Yüksel-Kaptanoğlu, I. & Ergöçmen, B. A. (2014). Early marriage: trends in Turkey, 1978-2008. *Journal of Family Issues*, 35 (12), P.p: 1707-1724.
31. Zahedi Asl, M. (2002). *Foundations of social welfare*. Tehran: Allameh Tabatabai University.